گزارش خبری

فرش صنعتی که به دار است نه به بار

■ **مهر:** گل‌های چشم‌نواز قالی و نقش خاطره‌انگیز قرن‌ها تمدن ایران‌زمین در تار و پود صنعت فرش دستباف، مدت‌هاست که به فراموشی سپرده شده و این بوی خستگی عمیقی است که پس از سال‌ها از دارهای قالی به مشام می‌رسد. در چند سال اخیر یکی از مهم‌ترین صنایع و البته هنرهای دستی قم که مورد جبر اقتصادی و البته بی‌مهری مسوولان قرار گرفته است، صنعت فرش دستباف است. فرش دستباف قم یکی از باکیفیت‌ترین و زیباترین فرش‌ها در بین سایر تولیدکنندگان دولتی و حتی جهانی است.

رییس اتحادیه فرش دستباف قم در این زمینه اظهار داشت: فرش قم ویژگی‌هایی دارد که در هیچ کجای جهان و حتی ایران نمی‌توان آن را پیدا کرد و تمامی هنرشناسان و کسانی که در این زمینه تخصص دارند به دنبال فرش قم هستند اما با این توصیفات فرش قم به دلایل متعدد حال و روز خوبی ندارد.

به گفته مجید اخوان مدیر اتحادیه تعاونی فرش دستباف روستایی قم، در حال حاضر فعالیت نزدیک به ۷۰درصد از کارگاه‌های فرش دستباف قم متوقف شده و این نشان‌دهنده نبود انگیزه کافی در بین تولیدکنندگان است.

همچنین ابوالفضل رجبیان رییس اتحادیه صادرکنندگان فرش دستباف قم در مورد مشکلات تولیدکنندگان فرش دستباف تاکید کرد: وضعیت تولید فرش دستباف در قم نابسامان است و بسیاری از کسانی که در این عرصه فعال هستند، مجبورند برای تامین معاش خود به استان‌های دیگر مراجعه کنند

جواد کاظمی، یکی از فعالان عرصه صادرات فرش دستباف بر این باور است که مظلومیت این صنعت تا آنجاست که حتی دورافتاده‌ترین کشورها به مرغوبیت و نفیس‌بودن فرش قم اشراف دارند.

وی اعتقاد دارد برخی مدیران قم با این ویژگی و پتانسیل هنرمندان قالیباف استان آشنایی ندارند.

به نظر می‌آید علاوه بر ایجاد انگیزه برای صادرکنندگان فرش، لزوم توجه به فناوری‌های روز و شناخت سلیقه متغیر مخاطبان بین‌المللی، یکی دیگر از مسایل مهم در زمینه صادرات فرش دستباف است.

همچنین رییس اتحادیه تولیدکنندگان فرش دستباف قم کمبود نقدینگی را یکی از مهم‌ترین مشکلات تولیدکنندگان فرش استان دانست.

غلامرضا اخوان در اختیار گذاشتن تسهیلات

ارزان‌قیمت و بلندمدت به صورت قرض‌الحسنه به تولیدکنندگان فرش را از راه‌های برون‌رفت از این شرایط عنوان کرد.

برخی مشکلات مانند بالابودن هزینه تولید، تورم داخلی، گران بودن مواد اولیه تولید و قیمت‌های تعیین‌شده نامناسب در بازار برای این صنعت باعث کاهش تولید شده و با توجه به درآمد پایین، تولید فرش برای تولیدکنندگان و بافندگان توجیه اقتصادی ندارد. علاوه بر این، کاهش صادرات فرش دستباف و نبود انگیزه کافی برای رقابت بین تولیدکنندگان، عامل دیگری در جهت کاهش رونق فرش دستباف قم در عرصه‌های بین‌المللی است.

به گفته حسین امجدی عضو اتحادیه فرش دستباف قم، اگر بازرگانان قمی احساس کنند کسب رتبه برتر در صادرات تاثیری در ارتقای جایگاه تولید دارد و باعث تکریم مسوولان استانی می‌شود، بدون شک حس رقابت و فعالیت مضاعف در آنها زنده می‌شود.

عدم اقدامات کافی در زمینه احداث نمایشگاه دایمی فرش قم، معضل دیگری بر سر راه تولیدکنندگان فرش است.

به گفته جواد کاظمی احداث نمایشگاه دایمی فرش یک نیاز حیاتی محسوب می‌شود و فرش قم با توجه به شایستگی‌های در خور توجه باید مکانی مناسب شأن و جایگاهش داشته باشد.

صنعت فرش دستباف در قم در کنار مشکلات ذکرشده، با معضلات دیگری همچون عدم بیمه شدن قالیبافان، افزایش تقاضای فرش‌های ماشینی درمقابل فرش‌های دستباف، عدم استفاده از فناوری‌های روز برای تولید، قیمت بالای ابریشم، عدم توجه کافی به سلیقه مصرف‌کنندگان، واردات بی‌رویه و کپی‌برداری طرح‌های فرش‌های قم توسط سایر کشورها مانند چین روبه‌رو هستند.

مسوولان توجه داشته باشند که تعطیلی کارگاه‌های فرش دستباف نه تنها موجب ورود ضربه‌های شدیدی به این صنعت و هنر است، بلکه می‌تواند عاملی در گسترش بیکاری عده زیادی از کارگران و فعالان این عرصه شود که این خود موجب بروز انواع معضلات اجتماعی و اقتصادی است، هر چند بخشی از این مسیر هم تاکنون طی شده است.

گزارشی از بازارهای روز گیلان

تا بازارها زنده باشند، گیلان هم زنده است

■ **بازارهای هفتگی جزیی از فرهنگ شمال شده است**

سیاوش پورعلی/گیلان

عکس: بازار رشت

گیلان از معدود استان‌هایی است که هر روز در چند نقطه آن از شرق تا غرب، بازارهای محلی دایر می‌شود و سهم هر شهر یا روستا در هفته یک روز است. این بازارها به بازارهای هفتگی معروفند بازارهایی که از ایام قدیم تاکنون همه‌روزه برپا می‌شود، تنها روزهای جمعه و تعطیلات رسمی عزاداری تعطیل هستند، در این بازارها همه نوع کالا و موادغذایی را می‌توان پیدا کرد: مرغ، اردک، غازمحلی، تخم‌مرغ، محصولات لبنی محلی، انواع پوشاک، میوه و تره‌بار (که یکی از عوامل اصلی رونق بازار است)، لوازم صوتی و تصویری و ... . هنگامی که وارد بازار می‌شوی صدای مرغ و خروس‌های محلی و مردمی که در مورد اجناس با هم در حال صحبت هستند و فروشنده‌هایی که با شور و حال خاص خودشان اجناس را همراه با آوازهای خاص محلی تبلیغ می‌کنند. آواز خواندن آنان بسیار مشهور و زبانزد است و هر که صدای آنان را بشنود بی‌اختیار جذبش می‌شود و هر که صدای بهتری داشته باشد مسلما مشتری بیشتری جذب می‌کند، از ابتدا تا انتهای بازار همه در حال دقت و خرید مایحتاج خود هستند تا مبادا چیزی از قلم بیندازند؛ یا جایی چیز بهتر داشته باشد و از قافله عقب بمانند. اکثر بازارموج‌ها مشتری‌هایی مخصوص به خود دارند زیرا سال‌های سال است که در این بازارها مشغول به کارند، در گیلان بازار موج به فردی گفته می‌شود که برای کسب درآمد، محصولات خود را به بازارهای محلی می‌آورد و معمولا در بیشتر بازارها از شرق تا غرب حضور دارند. این اسم برگرفته از حالت موج دریاست که همیشه در حال حرکت است و بازارموج‌ها هم به مانند موج دریا جای ساکنی ندارند و با اتمام بازار، روز دیگر در جایی دیگرند، این بازارها برای مسافرانی که به استان سرسبز گیلان مسافرت می‌کنند بسیار دیدنی و قابل تامل است. در بعضی فصول می‌توان مسافرانی را دید که با شگفتی زیاد خیره به رنگ‌های متنوع بازار هستند، تنوع رنگ‌هایی که از در کنار هم قرار گرفتن انواع میوه‌ها و محصولات رنگارنگ به وجود آمده است، عده‌ای دیگر با دوربین عکاسی مشغول ثبت تصاویر به‌یادماندنی هستند تا به یادگار در آلبوم خود نگاه دارند و آنگاه است که مسافران به این نکته بر می‌خورند که تنها «طبیعت» گیلان زیبا نیست.

بازارهای هفتگی در گذشته از رونق بسیاری برخوردار بودند. ولی اکنون نه آنکه بگوییم این بازارها از رونق افتاده ولی نسبت به قبل کاهش محسوسی را به خود دیده است. عوامل گوناگونی مسبب این کاهش رونق است: کشیده شدن مردم به سمت مدرنیته (خرید از فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای، خرید مواد در بسته‌بندی‌های بهداشتی و...)، احداث راه‌ها جهت تردد ماشین به منظور تامین مایحتاج در نقاط درو و روستاها (این امر باعث آن شده که روستاییان برای خرید تا محل بازارها نیایند و بازارها درصدی از مشتری‌های اصلی خود را از دست بدهند)، شاید یکی از مهم‌ترین عوامل؛ بالارفتن قیمت‌ها و به دنبال آن پایین‌آمدن قدرت خرید مردم باشد که نسبت به چند سال گذشته رشد قابل‌توجهی را داشته است و عواملی از این دست که باعث کسادی بازارهای هفتگی شده‌اند.

البته، جلوی تعدادی از این عوامل را می‌توان گرفت اما بسیاری دیگر، جبری است که هیچ‌کس نمی‌تواند مقابلش بایستد

شماری از مهم‌ترین بازارهای هفتگی گیلان:

شنبه: اسالم، بندرانزلی، پاشاکی، پیربازار، دهشال، شبخوس‌لات، گوراب‌پس، لنگرود، لولمان، ماسال، لشت نشا

یکشنبه: چوبر، خلیفه‌آباد، صومعه‌سرا، خمام، دستک، رودسر، کوچصفهان، گشت‌رودخان.

دوشنبه: آستانه‌اشرفیه، خشکبیجار، رحیم‌آباد، سنگر، شفت، شلمان، ضیابر، کپورچال، گوراب‌زرمیخ، هنده‌خاله، کومله‌سیاهکل.

سه‌شنبه: اباتر، فومن، املش، پاشاکی، پره‌سر، چهارده.

چهارشنبه: کسما، پونل، چابکسر، چوکام، حسن‌رود، رضوانشهر، رودبنه،، کوچصفهان، کیاشهر، لنگرود، واجارگاه.

پنجشنبه: طاهرگوراب، بازارجمعه (تولم‌شهر- قابل ذکر است که قبل از انقلاب ۵۷ در تولم‌شهر بازار روز جمعه برگزار می‌شد که به دلیل برپایی نمازجمعه به روز پنجشنبه در هر هفته تغییر یافت) شاندرمن، خشکبیجار، زیباکنار، سیاهکل، شاقاجی، کلاچای، نوخاله، هشتپر و آستانه اشرفیه.

اگر بخواهیم بازارهای هفتگی امسال را با بازارهای سال پیش مقایسه کنیم خواهیم فهمید نه‌تنها از تردد مردم کاسته شده بلکه مقدار اجناس که به وسیله بازارموج‌ها به بازارها آورده می‌شد نسبت به گذشته شاید به نصف رسیده باشد اما با این حساب باز هم به شغل خود ادامه می‌دهند و به سراغ شغل دیگری نمی‌روند.

دایی بهرام پیرمردی است با موها و سبیل سفید (دو خط موازی زرد رنگ روی سبیل سفید خودنمایی می‌کند)، چشمان آبی رنگ و قدی متوسط، چهره‌اش کاملا گیلانی بود، گیلکی را بسیار روان، دقیق و اصیل حرف می‌زد به نحوی که ما جوانان برخی از تلفظ‌ها را نمی‌توانیم بفهمیم گویی جزو سالخوردگان بازار است، دایی بهرام روی چهارپایه بین وانت خود و بازارموج بغلی نشسته و مقابلش چند استکان چای خالی قرار داشت با سیگاری بر لب که گاه بلند می‌شد و کار مشتریان را راه می‌انداخت، ساعت حدود ۲:۳۰ ظهر بود و بازار هم رفته رفته رو به خلوت شدن می‌رفت، نزدیک شدم و خسته نباشید و خدا قوت گفتم، جوابم را داد و با دست به چهارپایه‌ای که در کنارش قرار داشت اشاره کرد و گفت بفرمایید. تاکنون از پشت بساط میوه‌فروشی به مردم نگاه نکرده بودم لذت خاصی داشت. سوال کلی خود را از دایی بهرام پرسیدم، انتظار تعریف خاطره‌ای بود ولی دایی بهرام سری تکان داد نگاهی به مردم کرد با دست پشت وانت را نشانم داد (سه‌کیسه پلاستیک خیار پشت وانت بود) و گفت: خودت وضع بازار رو که می‌بینی همه سیاه لشکرن میان فقط برای نگاه کردن انگاری آمدن پارک، قیمت و می‌پرسن و راه میرن، چند سالی هست که وضعیت ما شده این. ولی بازم خدارو شکر خرج خودمو خانوادم درمیاد، دوتا از پسرامم با من اینجا کار می‌کنن الان رفتن نهار بگیرن، برای یکیشون یه وانت خریدم و اون واسه خودش کاسبی می‌کنه، اون یکی هم که تازه درسش تموم شده چون بیکار بود فعلا آوردمش اینجا سر بساط بمونه. گفتم چند سال پیش بازار خیلی خوب بود مردمم خوب خرید می‌کردن الان خیار ۱۸۰۰ تومنه ولی دو سه سال پیش ۲۵۰ تومن بود منم اگه جای اونا بودم کمتر خرید می‌کردم، از کسی شکایت ندارم بازم همین قدر که در میاریم خدارو شکر می‌کنم. من که بیشتر درآمدمو میدم به پسرام، هرهفته چهار تا بازار میرم: ماسال، صومعه‌سرا، ضیابر، فومن چندسال پیش همه روزه بازار بودم الانم می‌تونم برم ولی راستش نمی‌صرفه پسر بزرگم همه بازارهای هفتگی رو میره (اشاره دارد به بازارهای غرب استان) ولی درآمدش خیلی با من فرقی نمی‌کنه، به نظر من به زحمتش نمی‌ارزه ولی اون به شوخی میگه تو چون پیر شدی از این جور حرفا میزنی، پسر کوچیکم که درس خونده با نظر من موافقه و میگه استهلاک ماشینو میبره بالا و با وضعی که بازار داره ارزش آنچنانی نداره. اینم اضافه کنم که خیلی از بازارا هم به همین دلایل تعطیل شده و دیگه برگزار نمیشه. من خودم اهل طاهرگوراب هستم تا چند سال پیش طاهرگوراب یکی از بازارای مهم محسوب می‌شد ولی الان دیگه به حالت نیمه‌تعطیل در آمده و کسی برای خرید به اونجا نمیاد.

اینجا رو که می‌بینی هر کس برای خودش یه جای مخصوصی داره و هر جا به اسم کسیه. این‌طوری نیست که هر کس زودتر میاد باید جای بهتری باشه، یا بگه اینجا محل منه و من می‌خوام اینجا وایسم، کسی به این موضوع اعتراضی نداره اگر کسی هم از این حرفا بزنه کاسب‌های دیگه جلوشو می‌گیرن؛ ۱۵، ۲۰سال پیش اکثرا گاری دستی داشتن با وانت یا نیسان بارشونو تا دم بازار می‌آوردن و خالی می‌کردن رو گاری و میومدن سر جاشون ولی الان همه ماشین دارن و دیگه خبری از گاری نیست، کارا راحت‌تر شده اما من همون بازار قدیمو دوست داشتم، اون موقع بازار یه رونق خاصی داشت همه میومدن برای خرید ولی الان دیگه راحت‌طلب شدن. هرچی بخوان میرن سر کوچه می‌خرن هیچ دقت به قیمت و کیفیت ندارن اما هنوز خیلی‌ها هستن که به ما ایمان دارن و اطمینان دارن از اینکه هم جنسای ما تازه تره و هم ارزون‌تر، نمی‌دونم که صبح اینجا بودی یا نه ولی شلوغی صبح خیلیارو گول میزنه که بازار شلوغه ولی الان باید تشخیص بدی که بازار رونق داره یا نه (به بارهای مانده بر پشت وانت اشاره می‌کند) حالا من این جلو وایسادم، وای به حال کسایی که اون ته بازار هستن، یه چیز بهت میگم برات خوبه؛ داخل روزنامه هم بنویس، روزی رسون خداست، مردم همه وسیله هستن. اونه که میدونه چی کار داره می‌کنه من که همه سختیارو با توکل به خودش تحمل کردم و همیشه هم منتظرم که بازار یه تکونی بخوره و تغییری رخ بده. میدونم که دیر یا زود ما از این وضعیت خارج میشیم امیدوارم مردمم به حرف من پیرمرد گوش کنن، الانم وضعیت بازار بعضی روزها خوب میشه مخصوصا اول برج...، هنوز خیلیا هستن که جز بازار از هیچ جا خرید نمی‌کنن اگه بخوام یه مثال بزنم میتونم اینجا رو به یه فروشگاه زنجیره‌ای توصیف کنم که همه چیز هست ولی محلی، اینجا از پارچه، تلویزیون، کفش و... گرفته تا تخم‌مرغ، تره‌بار و...

> **بازارهای هفتگی گیلان نه‌تنها باعث تعادل قیمت‌ها می‌شود بلکه عاملی برای جذب توریست نیز است و سالانه بسیاری از مردم برای دیدن این بازارها به گیلان می‌آیند. ولی باتوجه به عوامل یاد شده و مهاجرت بسیاری از اهالی شهرستان‌ها به کلانشهر باعث از رونق افتادن این بازارها شده است**

یادمه چندسال پیش یه خارجی آمده بود اینجا و انگار کسی بهش گفته بود که تو گیلان یه همچین بازاری است بنده خدا از شرق تا غرب همه بازارا رو میومد و از همه‌جا عکس می‌گرفت تا ببره به رفیقاش نشون بده، من فکر می‌کردم همه‌جا اینجور بازاری هست ولی بعد دیدم که نیست اون زمون جوان‌تر از الان بودم برای اون خارجی این نوع بازار عجیب بود و با شگفتی می‌گفت که انگار این بازارموج‌ها کارمندن و وظیفه دارن همه بازارا باشن مترجمش همه اینا رو برام ترجمه می‌کرد بعدم که داشت می‌رفت آمد با من عکس گرفت و گفت شما همه خنده‌رو هستین و این باعث شده که محل زندگیتون به این زیبایی باشه و من گفتم شایدم برعکس، شاید این محیط زنده باشه که مارو خندان کرد. دایی بهرام خندش با دیدن قیمت نهار که پسرش خریده بود تمام شد و زیر لب چیزی می‌گفت... .

در میانه بازار زنی با چرخ دستی پر از وسایل در حال خارج شدن بود که درخصوص نحوه خریدش از بازار گفت: من بیشتر وسایل خونه رو که در طول هفته استفاده می‌کنم از اینجا تهیه می‌کنم به‌جز گوشت و مرغ که میگن از فروشگاه‌های معتبر تهیه کنیم البته مرغ که پیدا نیست چه اینجا چه بیرون از اینجا، نزدیک‌های عید هم لباس همه خانواده رو از اینجا می‌گیرم نه‌تنها من، بلکه اکثر اطرافیان من هم همه خریداشونو از اینجا میکنن، حتی این بازارا باعث شده تا بعضی از اقوام ما که تو شهرهای دیگه زندگی میکنن روزایی که بازاره برای خرید میان و همه دور هم جمع میشن، با اینکه قیمتا همه‌جا بالا رفته ولی توی بازارا میتونین وسایلو ۲۰۰، ۳۰۰تومن پایین‌تر از بیرون بازار بخرین، در کل خرید وسایل توی بازار خیلی به صرفه‌تره ولی از قیمتا زیاد راضی نیستم بازم خدارو شکر یه همچین بازارایی تو اینجا هست وگرنه ما باید چیکار می‌کردیم، من حساب کردم که خرید داخل بازار نسبت به بیرون حداقل هفت یا هشت‌هزار تومن آدمو جلو میندازه، ما از بچگی به این بازارا عادت کردیم و مثل خانواده‌های دیگه اکثر خریدامو از اینجا می‌کنم، این وضعیت بازار باعث شده که مغازه‌دارا نتونن خیلی اجناسشونو با قیمت بالا بفروشن به نوعی بازار رقیب اونها محسوب میشه.

بازارهای هفتگی گیلان نه‌تنها باعث تعادل قیمت‌ها می‌شود بلکه عاملی برای جذب توریست نیز است و سالانه بسیاری از مردم برای دیدن این بازارها به گیلان می‌آیند. ولی باتوجه به عوامل یاد شده و مهاجرت بسیاری از شهرستان‌ها به کلانشهر باعث از رونق افتادن این بازارها و حتی در چند نقطه از استان بازارها به حالت تعطیل درآمده است، بازارهای هفتگی تنها محلی برای خرید اجناس نیستند بلکه مکانی برای دید و بازدید، رد و بدل کردن مسایل روز شهر، دهان به دهان چرخیدن خبرهای مهم کشور و... .

با توجه به این موضوع بازارهای هفتگی را باید یکی از مکان‌های اجتماعی نام برد که کاملا با عرف منطقه در حال پیشرفت است، همه مردم برای نگهداری فرهنگ خود می‌کوشند و بازارهای هفتگی جزیی از فرهنگ گیلان است و به نظر بسیاری از گیلانی‌ها تا زمانی که بازارها زنده باشند گیلان هم زنده است.

«کرمان» خرماخیزترین استان کشور

ایسنا: رییس همایش ملی و جشنواره علمی خرمای ایران گفت: به واسطه محصول خرما ۵۰۰هزار نفر در استان کرمان به طور مستقیم مشغول به کار هستند.

«حاجی محمدتکلوزاده» رییس همایش ملی و جشنواره علمی خرمای ایران اظهار کرد: وجه تمایز این همایش با موارد مشابه خود این است که در کنار نشست‌های تخصصی آن نشست‌هایی با حضور تجار، کشاورزان، فرآوری‌کنندگان، کارشناسان و... برگزار می‌شود. معاون برنامه‌ریزی استاندار کرمان افزود: ۳۰۰ نفر در سایت این همایش شرکت کرده و ۲۰۰ مقاله نیز ارسال شده است که حدود ۳۶ داور از دانشگاه‌های مختلف، ۱۳۰ عدد از این مقاله‌ها را پذیرفته‌اند که تعدادی به صورت شفاهی و تعدادی نیز به صورت پوستر ارایه می‌شود. تکلوزاده یادآوری کرد: استان کرمان با کشت ۶۰هزار هکتار خرما رتبه اول را در بین استان‌های خرماخیز به خود اختصاص داده است. وی همچنین گفت: بیش از صدمیلیون نفر درخت خرما در دنیا وجود دارد و کشور ایران با ۱۶۳هزار هکتار سطح زیرکشت بعد از امارات رتبه دوم را در جهان به خود اختصاص داده و بعد از کشور مصر نیز دومین تولیدکننده خرما به شمار می‌رود. معاون برنامه‌ریزی استاندار کرمان به مقوله اقتصادی محصول خرما نیز اشاره و تاکید کرد: با حدود ۱/۱میلیون تن خرمای تولیدی کشور و متوسط قیمت دوهزار تومان، ۲۲۰۰میلیارد تومان میزان ارزش محصول خرما بوده است. وی ادامه داد: ۴۰۰ رقم خرمای شناخته‌شده در ایران وجود دارد که خوشبختانه دارای متنوع‌ترین و متفاوت‌ترین خرما هستیم. رییس همایش ملی و جشنواره علمی خرمای ایران تاکید کرد: از نظر صادرات حدود ۱۰۵هزار تن محصول خرما را صادر کرده و ۱۴۰میلیارد تومان درآمد داشته‌ایم.

معاون برنامه‌ریزی استاندار کرمان افزود: همچنین فرآورده‌های مهم خرما شامل کلمپه و شیرینی، سرکه و شیره خرما، عرق، چیپس خرما و نوپان نخل خرما که از ضایعات چوب خرما بوده و صنایع دستی حاصل از چوب خرما مانند کلاه، حصیر، جارو و... به تنهایی از محصول خرما تهیه می‌شوند.

تکلوزاده اظهار کرد: با وجود نقش پررنگ خرما در اقتصاد، کارآیی بسیار تحقیقاتی و علمی آن اما هنوز ابهامات و اشکالات زیادی وجود دارد از جمله اینکه نسبت به میانگین تولید دنیا که شش تن و ۴۰۰هزار کیلوگرم است، کشور ما با تولید شش تن و ۶۰۰کیلوگرم اما در جایگاه دوازدهم قرار دارد. وی در پایان خاطرنشان کرد: باید در زمینه نحوه برداشت خرما، کشت و بسته‌بندی، بازاریابی، صادرات و فروش خرما در داخل کشور تغییراتی ایجاد کنیم. همایش ملی و جشنواره علمی خرمای ایران با همکاری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن استان کرمان، دانشگاه شهید باهنر و پژوهشکده باغبانی، انجمن و کانون هماهنگی دانش و صنعت خرمای استان و معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری در محل تالار وحدت دانشگاه شهید باهنر به مدت دو روز برگزار می‌شود.

گزارش

پدیده قاچاق گریبانگیر صنعت چای داخلی

■ **مهر:** سرانه مصرف سالانه چای کشور ۱۲۰هزار تن است که از این میزان ۳۰هزار تن چای در داخل تولید، ۱۵هزار تن با مجوز قانونی وارد و بقیه به صورت قاچاق، به مصرف بازارهای کشور سرازیر می‌شوند. انباشت بخش عمده‌ای از تولید چای داخل در انبارها و عدم استقبال بازرگانان به صادرات این میزان چای داخلی موجب شده تا قاچاق چای خارجی غیربهداشتی از رقم ۷۵هزار تن در سال نیز فراتر رود. فقر روزافزون چایکاران، نابودی باغ‌های چای تا حد ۷۰درصد به دلیل مقرون به صرفه نبودن کاشت، انباشت چای تولید داخلی در انبارها و غیره از پیامدهای منفی قاچاق چای است. در این ارتباط رییس اتحادیه چایکاران شمال با بیان اینکه قاچاق چای در کشور سرسام‌آور است، گفت: چای‌های قاچاق فاقد اعتبار، غیربهداشتی و رنگ‌کرده در جعبه‌ها و قوطی‌های زیبا و با استفاده از تکنیک روز آماده و با بالاترین قیمت در اختیار مصرف‌کنندگان داخل کشور قرار می‌گیرند. ایرج هوسمی با اعلام اینکه ایرانی‌ها از مصرف‌کنندگان عمده چای در جهان هستند، افزود: ورود بی‌رویه چای خارجی که با افزودن انواع اسانس‌های غیربهداشتی وارد می‌شود دو عامل اساسی از قبیل تغییر ذایقه ایرانی و بهداشت مردم را در معرض خطر قرار داده و همین‌طور از تهدیدات بهداشتی جامعه محسوب می‌شود. وی ادامه داد: با توجه به اینکه انواع چای وارداتی از مبادی غیررسمی بدون رعایت تشریفات گمرکی و بهداشتی وارد کشور می‌شود فاقد کنترل و مقررات بهداشتی لازم است. رییس اتحادیه چایکاران شمال قاچاق چای را تهدیدی برای این صنعت برشمرد و خواستار برخورد جدی با قاچاقچیان حداقل در مبادی ورودی و خروجی استان‌ها و فروش در مغازه‌های سراسر کشور شد. وی همچنین به بحث زراعی باغ‌های چای اشاره کرد و افزود: عملیات فنی کشاورزی به دلیل فقر چایکاران انجام نمی‌شود که باید به این مهم توجهی ویژه کرد. هوسمی تصریح کرد: چایکاری در کشور به دلیل واردات بی‌رویه و قاچاق صرفه اقتصادی ندارد و چایکاران در سال‌های اخیر با زحمت و قناعت کسری هزینه‌کرد خود را تامین کرده‌اند.

به این ترتیب چای غیرمجاز معمولا از نوع درجه‌سه توسط عوامل سودجو و قاچاقچی انتخاب می‌شود و با اسانس‌های مختلف ظاهری خوش‌رنگ پیدا کرده و در قالب بسته‌های شکیل وارد باز می‌شود. طی دو دهه اخیر استمرار این وضعیت موجب شده ذایقه ایرانی به یک نوع سم تغییر عادت دهد. همچنین آگاه‌سازی مردم از مضرات مصرف چای قاچاق ازسوی وزارت بهداشت، کاهش هزینه‌های واردات قانونی چای ازسوی دولت، حمایت جدی و موثر به طور مستمر از تولید و فرآوری چای مرغوب داخلی از عوامل برون‌رفت کاهش واردات غیرمجاز چای است. اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها و تذکر از عواقب مصرف چای خارجی بدون گواهی بهداشت، انجام طرح تحقیقاتی مبنی بر تبعات منفی مصرف چای و ارایه نتایج آن به مردم و سامان‌بخشی به عرضه چای وارداتی براساس مقررات وزارت صنعت، معدن و تجارت از دیگر عوامل رفع این مشکل است. نماینده مردم لنگرود در مجلس گفت: کل نیاز کشور به چای خشک ۱۲۰هزار تن است که متاسفانه سالانه ۷۵هزار تن این محصول به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود.

مهرداد لاهوتی افزود: قاچاق ۷۵هزار تن چای یعنی ورود بیشتر از نصف نیاز کشور به این محصول راهبردی از طریق مبادی غیررسمی و بدون هیچ نظارتی بر کیفیت و سلامت آن است. ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، دستگاه‌های نظارتی و گمرک باید هرچه سریع‌تر راهکاری برای مقابله با قاچاق و توزیع چای غیرقانونی در کشور تدوین کنند. وی افزود: تداوم قاچاق چای به معنای تداوم فرار این افراد سودجو از پرداخت عوارض گمرک و مالیات واردات است که سرانجام موجب تضعیف تولید داخلی نیز می‌شود. لاهوتی اظهار داشت: چای داخلی از کیفیت بالایی در دنیا برخوردار است از این‌رو نباید انگیزه تولید این محصول راهبردی را از کشاورزان گرفت تا آنان مجبور به تغییر کاربری زمین‌های خود شوند و از سویی این امر باعث خروج منابع و ارز کشور شود. وی یادآور شد: زمانی که قاچاق چای در کشور وجود داشته باشد نه بازرگانان می‌توانند چای را با یک رقابت عادلانه وارد بازار کنند و نه تولیدکنندگان داخلی امیدی برای عرضه چای به بازار دارند. نماینده مردم لنگرود در مجلس تصریح کرد: به دلیل استفاده از سموم و عدم رعایت بهداشت در کشورهای تولیدکننده چای، مسوولان باید نسبت به ورود چای قاچاق اهتمام ورزند. وی اظهار داشت: با توجه به مصرف سالانه بسیار بالای چای در کشور وجود آزمایشگاه‌های اختصاصی برای کنترل سلامت چای امری ضروری است. مدیرعامل اتحادیه چایکاران شمال نیز در این ارتباط گفت: قاچاق چای‌های وارداتی و قیمت آن نسبت به چای تولید داخل، باعث کاهش رقابت و ضرر چایکاران کشور شده است. مصطفی نصراللهی افزود: با قاچاق چای، فروش چای‌های تولید داخل با مشکل روبه‌رو شده است به گونه‌ای که تولیدکنندگان کشور توان رقابت با چای‌های قاچاق را ندارند. وی اظهار داشت: تولید کشور سرانه ۲۵ تا ۳۰هزار تن و سرانه مصرف در کشور ۱/۵ کیلو است بنابراین حجم واردات چای دوبرابر نیاز داخل است. مدیرعامل اتحادیه چایکاران شمال گفت: وقتی حجم واردات چای بیش از اندازه مصرف باشد، تمایل به استفاده کالاهای خارجی بیشتر می‌شود به گونه‌ای که در گیلان که از استان‌های چای‌خیز کشور است در بسیاری از فروشگاه‌های آن چای خارجی به فروش می‌رسد و مردم تمایل به خرید چای خارجی دارند. وی افزود: تبلیغات چای خارجی در کشور به گونه‌ای است که امکان رقابت را از تولید داخل گرفته و باعث از بین رفتن صنعت چای شده است. نصراللهی ادامه داد: منافع ویژه قاچاق چای به گونه‌ای است که واردکنندگان با از بین بردن تولید داخل به واردات خود همچنان ادامه می‌دهند.